



اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا (علیه السلام) و سیره رضوی
<https://sokhanetarikh.com/articles/%d8%a7%d8%ae-%d9%84%d8%a7%d9%82-%d8%a7%d8%ac%d8%aa-%d9%85%d8%a7%d8%b9%db%8c-%d8%a7%d8%b2-%d9%85%d9%86%d8%b8%d8%b1-%d8%a7%d9%85-%d8%a7%d9%85-%d8%b1%d8%b6%d8%a7-%d8%b9-/%d9%88-%d8%b3%db%8c%d8%b1%d9%87>

نویسنده: سید مرتضی حسینی شاه ترابی

۲۵ شهریور ۱۳۹۲ (۱۶/۰۹/۲۰۱۳) (/https://sokhanetarikh.com/۲۰۱۳/۰۹/۱۶)

منبع: راه تربیت سال پنجم پاییز ۱۳۸۹ شماره ۱۲





مقدمه

اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا(ع) و سیره رضوی چگونه است؟ این پرسش، پرسش آغازین و اصلی این پژوهش است و نوشتار حاضر می‌کوشد پاسخی مناسب برای آن بیابد. سیره اخلاقی امامان شیعه و الگوگیری از رفتار و گفتار آن انسانهای وارسته و کمال یافته، همواره یکی از دغدغه‌های شیعیان و شیفتگان ائمه اطهار بوده و می‌باشد. از این رو، پژوهشهای متعدد و متنوعی در سیره اخلاقی ائمه اطهار به ویژه سیره اخلاقی امام رضا(ع) انجام شده است.

در این موضوع، سه تحقیق مستقل و درخور توجه انتشار یافته است. نخستین آنها کتاب “جنبه‌های اخلاقی و سیره‌های عملی حضرت رضا(ع)” است که سید هاشم رسولی محلاتی آن را نگاشته و کنگره جهانی امام رضا(ع) در سال ۱۳۶۲ ه.ش. / ۱۴۰۴ ه.ق.، در شصت صفحه، در شهر مشهد مقدس منتشر نموده است. کتاب بعدی “سیره امام رضا(ع)” به قلم امیر مهدی حکیمی است که دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران در سال ۱۳۸۲ ه.ش. آن را در اختیار پژوهشگران قرار داده است. این کتاب شانزده بخش دارد که شامل عناوینی اعم از عناوین اخلاقی است؛ به عنوان مثال: عناوین سرشتهای انسانی، تهاجم فرهنگی، سرگذشت شیفتگی، راوایان طلایی و آزادی انسانی عناوینی بیرون از محدوده سیره اخلاقی هستند که در این نوشتار ارائه شده است. تتبع ناکافی، نقدی است که به هردو کتاب مذکور وارد است. کتاب سوم، کتاب “اخلاق رضوی: درسهای برای زندگی از امام رضا(ع)” نوشته ولی الله ملکوتی فر است که نشر آرژند در زمستان سال ۱۳۸۳ ه.ش.، در شهر سبزوار چاپ کرده است. این کتاب شامل دویست صفحه و چهل درس می‌باشد. مراتب ایمان، شناخت مقام امامت، اسرار نماز شب، حسن ظن به خدا، طول امل، فضیلت ماههای رجب و شعبان و رمضان و فضایل زیارت امام علی بن موسی الرضا(ع) از جمله عناوین درسهای این کتاب است. عدم دسته بندی و آشفتگی مطالب، نقصی است که در هر سه کتاب مذکور، به ویژه نگاشته ی اخیر به چشم می‌خورد.

هیچ یک از این سه کتاب، پاسخ مناسبی به پرسش آغازین ما نداده اند. بنابراین، پاسخگویی به این پرسش، ویژگی اساسی تحقیق حاضر است. علاوه بر آن: کیفیت ارائه و جامعیت مطالب نیز وجه تمایز این نگاشته با نگاشته های مذکور خواهد بود. بدین منظور، ساختار این مقاله و اصول اخلاقی ارائه شده، براساس منزلت اجتماعی افراد جامعه ساماندهی می شود. برهمین اساس، ابتدا مفاهیم اخلاق اجتماعی و سیره را تبیین می کند؛ سپس به ذکر اصول اخلاق اجتماعی در تعامل با افراد مختلف جامعه می پردازد که این افراد عبارتند از: پدر و مادر، خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، کارگران و خدمتگذاران، میهمانان، ذریه پیامبر (ص)، محبین اهل بیت (ع)، عالمان دین، نیازمندان و سایر مردم.

مفهوم شناسی

۱. اخلاق؛ "اخلاق" جمع واژه "خُلُق" یا "خُلُق" و کلمه ای عربی است. (الخوری الشرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۲۹۷) "خُلُق" یا "خُلُق" عبارتست از: "خوی، خصلت، عادت، طبیعت، نهاد و سرشت". (همانجا؛ معلوف، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۴) و از آنجا که "خُلُق" درباره ویژگیهای باطنی انسان به کار می رود، (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۱۲) باید گفت: "اخلاق" یعنی خویها، خصلتها، صفات و خصایص نفسانی پایدار که منشاء افعال نیک و بد آدمی اند. این صفات و ویژگیهای نفسانی پایدار را آنگاه که در ارتباط با زندگی شخصی فرد و صرف نظر از ارتباط وی با دیگران ظهور و بروز یابد، اخلاق فردی می نامیم؛ در مقابل، آنگاه که در ارتباط و تعامل با دیگر افراد جامعه بروز می یابد، آن را اخلاق اجتماعی نام می نهیم.

۲. سیره: "سیره" واژه ای عربی و اسم مصدر از واژه "سیر" است. "سیر" به معنای "رفتن" و "سیر کردن در زمین" است. (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۵۳) و نیز بر "گذشتن"، "روان شدن" و "حرکت کردن" دلالت می کند. (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰) راغب اصفهانی در این باره می نویسد: "سیر یعنی گذشتن و عبور کردن در زمین." (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۸۳)

سه حرف "سین"، "یاء" و "راء" به صورت "سیر"، حرکت در روز و نیز حرکت در شب را معنا می دهد؛ (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۵۳) درحالی که به صورت "سری" تنها حرکت در شب را می رساند. (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۵۳)

از آنجا که وزن فعله در زبان عربی بر نوع، کیفیت و هیئت عمل دلالت می کند، پس "سیره" به معنای حالت و چگونگی حرکت است مانند: "جلسْتُ جِلْسَه العبد: مانند عبد نشستم". از این رو، معنای لغوی "سیره" عبارتست از "طریقه، هیئت و حالت"؛ (المقری الفیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۱ و ۲، ص ۲۹۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۵۴) و نیز آن را به "سنت"، "مذهب" و "راه و روش" نیز معنا کرده اند. (الخوری الشرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۸۶۲؛ معلوف، ۱۴۲۳ق، ص ۳۶۸).

در این راستا، از "سیره فرد"، به "صحیفه اعمال" و "کیفیت سلوک" او در میان مردم تعبیر می کنند. راغب اصفهانی می نویسد: "سیره حالتی است که نهاد و وجود انسان و غیر انسان بر آن است؛ چه غریزی چه اکتسابی. چنانکه گفته می شود فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد." (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۸۳)

با توجه به آنچه بیان شد و با عنایت به آثار نگارش یافته در عرصه سیره، برای این واژه دو مفهوم اصطلاحی لحاظ می شود: **۱. فعالیتها و عملکردهای یک شخصیت در عرصه های مختلف؛** که با توجه به آثار نگاشته شده در سیره، این اولین مفهومی است که از این واژه به ذهن تبادر می کند و به نظر می رسد که این معنا استعمال بیشتر و رایج تری در میان سیره نویسان و تاریخنگاران گذشته و حال داشته و دارد: سیره به معنای

سرگذشت و زندگینامه یک شخصیت. **۲. سبک، شیوه و قاعده رفتار:** توجه به این معنا، رویکردی تازه و نو در سیره نگاری است. این جریان از عملکرد سیره نگاران پیشین انتقاد می کند و برخلاف آنان که به شرح حال نویسی و گزارش وقایع و اتفاقات زندگی پیامبر(ص) و ائمه اطهار اکتفا می کردند، به شناخت و تبیین اصول، سبک و رفتار و کردار پیامبر(ص) و امامان شیعه(ع) می پردازد. (ر.ک: دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶.ش.، دفتر اول، ص ۳۹؛ مطهری، ۱۳۷۶.ش.، صص ۴۷-۵۳)

آنچه مراد و منظور این پژوهش از سیره است، همان معنای اصطلاحی دوم می باشد. از آنجایی که رفتارها و کردارهای آدمی بروز و ظهور اندیشه های اویند و از افکار و باورهای او سرچشمه می گیرند، سخنان و احادیث رضوی را نیز ملحق به سیره رضوی می نماییم.

اصول اخلاق اجتماعی

همچنانکه در مقدمه ذکر شد: اصول اخلاقی استخراج شده در رابطه با اخلاق اجتماعی را براساس منزلت اجتماعی کسانی که مورد تعامل قرار می گیرند ارائه می نماییم:

۱. پدر و مادر

والدین در تعالیم اخلاقی اسلام و پیشوایان شیعه اهمیت و جایگاه ویژه ای دارند و همواره به حفظ و حقوق آنان سفارش شده است. براساس رهنمودهای آنان، پدر و مادر به عنوان نخستین کسانی که در راه نگاهداری، تعلیم و تربیت انسان نقش اساسی ایفا می کنند حق بزرگی بر گردن انسان دارد و هر انسانی ملزم به رعایت و ادای این حق است. امام رضا(ع) درباره چگونگی رفتار با پدر و مادر و ادای حقوق آنان سه اصل اخلاقی را متذکر می شود:

۱-۱. اصل تدبّر؛ امام رضا(ع) از رسول خدا(ص) نقل می کند که **“نگاه به والدین، عبادت است”**. [۱] (اربلی، ج ۲، ص ۲۶۸) واضح است که منظور از نگاه آن نگاهی است که از روی عطف و مهربانی باشد نه خشم و ناسپاسی. از سویی، به روشنی می توان دریافت که توصیه به نگرستن بدین منظور است که فرزند با نگاه به چهره رنج دیده پدر و مادر متوجه دردها، رنجها و آلامی شود که آنها در راه تربیت او متحمل شده اند. از این رو، نگاه به آنها عبادت محسوب می شود.

۱-۲. اصل سپاسگذاری؛ امام رضا(ع) می فرماید: خداوند به سپاسگذاری و شکرگویی الهی فرمان داده و آن را به قدردانی و سپاس از پدر و مادر مقرون و مشروط کرده است؛ پس کسی که شکرگویی و سپاسگذار والدینش نباشد، خدا را شکر نکرده است. [۲] (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۵۶، رقم ۱۹۶؛ اربلی، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۲۵، حدیث ۱۱۴۲۹)

۱-۳. اصل نیکی؛ امام رضا(ع) می فرماید: **((و نیکی به پدر و مادر - گرچه مشرک باشند، البته در شرک از آنها اطاعت و پیروی مکن - و در دنیا با آنها به نیکویی رفتار کن؛ زیرا خداوند می فرماید: “سپاسگذار من و والدینت باش، بازگشت به سوی من است و اگر تو را وادار کردند که آنچه را بدان معتقد نیستی با من شریک سازی، اطاعتشان نکن.” (لقمان: ۱۴ و ۱۵))** [۳] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۲۰)

۲. خانواده

خانواده کوچکترین و بنیانی ترین نهاد جامعه است و پیشوایان اسلام با درک اهمیت و کارکرد ویژه آن در تامین امنیت اخلاقی جامعه پیروان خویش را به حفظ آن ترغیب نموده اند. برهمین اساس برخی از اصول اخلاقی ضروری و مهم در رابطه با نحوه رفتار با اعضای خانواده را بیان کرده اند. امام رضا(ع)، هشتمین امام

شیعیان نیز چهار اصل اخلاقی را برای یاران و پیروان خویش ذکر کرده است که عبارتند از:

۲-۱. اصل حسن خلق؛ علی بن موسی الرضا(ع) معتقد بود: کسی که اخلاق نیکو نداشته باشد، نباید به سعادت دنیا و آخرت امید داشته باشد. [۴] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۶) وی از رسول خدا(ص) نقل می کرد که پیامبر خدا(ص) فرمود: **((نزدیکترین شما به من در روز قیامت به لحاظ جایگاه، کسی است که در دنیا خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نیکوکارتر باشد.))** [۵] (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۳۸، حدیث ۱۰۸؛ کنگره جهانی امام رضا(ع)، ص ۶۷، حدیث ۱۲۴)

۲-۲. اصل کار و تلاش؛ کار و تلاش برای تامین نفقه و نیازهای اقتصادی خانواده همواره مورد تاکید پیامبر(ص) و امامان شیعه قرار گرفته است. برهمین اساس، امام رضا(ع) می فرماید: **((آنکه در تلاش روزی رود تا عائله ای را اداره کند، اجرش از مجاهد در راه خدا بیشتر است.))** [۶] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۵)

۲-۳. اصل توسع؛ تاکید بر بهره مند نمودن اعضای خانواده از امکانات متعارف زندگی و سعی در ایجاد رفاه و آسایش خانواده را می توان در این سخن امام رضا(ع) مشاهده نمود: **((افرادی که از جنبه مالی قدرت دارند، باید بر زن و فرزند خود توسعه و گشایش دهند.))** [۷] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۲)

۲-۴. اصل مشی صحیح اقتصادی؛ تصمیم گیری صحیح اقتصادی نشانگر بلوغ فکری شخص در مسائل اقتصادی و بیانگر رشد شخصیتی اوست. به همین سبب، امام رضا(ع) اندازه گیری صحیح معاش، (به خصوص وضعیت معیشتی و اقتصاد خانواده) را یکی از سه ویژگی لازم برای تکمیل حقیقت ایمان می داند. [۸] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۶)

۳. خویشاوندان

خویشاوندان به عنوان بزرگترین گروهی که از انسان پشتیبانی می کنند، پراکندگی و پریشانی او را از بین می برند و در مصائب و مشکلات، بیش از همه به نسبت به وی مهربان و دلسوزند، مورد توجه و سفارش ائمه اطهار بوده اند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳) امام رضا(ع) در رابطه با آنها سه اصل اخلاقی ذکر می کند:

۳-۱. اصل صله رحم؛ می فرماید: **((صله رحم کن ولو به شربتی از آب (جرعه ای آب)...))** [۹] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۵) و نیز می فرماید: خداوند عزوجل به تقوا امر کرده و آن را مشروط و مقترن به صله رحم فرموده است؛ بنابراین، کسی که صله رحم نکند، تقوای الهی ندارد و پرهیزگار نیست. [۱۰] (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۵۶، رقم ۱۹۶؛ اربلی، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۲۵، حدیث ۱۱۴۲۹)

۳-۲. اصل کمک و یاری؛ امام رضا(ع) در نامه اش به امام جواد(ع) نگاشت: **((ای اباجعفر! به من خبر رسیده است: هنگامی که سوار بر مرکب می شوی، غلامانت تو را از درب کوچک بیرون می برند و این از بخل آنهاست تا خیری از تو به کسی نرسد. به حقی که بر گردنت دارم، از تو می خواهم که ورود و خروجت جز از درب بزرگ نباشد و هنگامی که بر مرکب سوار می شوی با خود دینار و درهمی داشته باشی و سپس هرکس که از تو خواست به وی عطا کنی! و اگر یکی از عموهایت از تو درخواست احسان کرد به وی کمتر از پنجاه دینار نده و بیش از این را خود می دانی؛ و اگر یکی از عمه هایت از تو درخواست نمود، کمتر از ۲۵ دینار به وی مده و بیش از آن را خود می دانی. من خواستار آنم که خداوند تو را به مرتبه رفیع برساند؛ پس انفاق کن و به لطف خدا از تنگدستی بیمناک نباش.))** [۱۱] (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۸، حدیث ۲۰؛ کلینی، ج ۴، ص ۴۳، باب الانفاق)

۴. دوستان

امام رضا(ع) در رفت و آمد و تعامل با دوستان می کوشید و رفتارش به گونه ای بود که آنها را نیازارد، حتی به صورت ناخودآگاه. برهمن اساس، محمد بن فضل نقل می کند: امام رضا(ع) روز عید فطر درحالی که دعا می کرد به یکی از دوستان (محبین) خویش فرمود: فلانی! خداوند از تو و ما قبول کند! این ماجرا گذشت تا روز عید قربان. در روز عید قربان فرمود: فلانی! خداوند از ما و از تو قبول کند! به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! روز عید فطر به یک شیوه سخن گفتی و روز عید قربان به شیوه ای دیگر سخن می گویی! فرمود: بله، روز عید فطر به او گفتم: خداوند از تو و از ما قبول کند، زیرا او همانند من کار کرده بود؛ بنابراین، خودم و او را در این فعل شریک کردم. در عید قربان به وی گفتم: خداوند از ما و از تو قبول کند؛ زیرا من توانسته ام قربانی کنم و او نتوانسته است؛ بنابراین، ما کاری غیر از کار او انجام داده ایم. [۱۲] (کلینی، ج ۴، ص ۱۸۱، باب النوادر؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، حدیث ۲۰۵۳)

۵. همسایگان

حفظ و رعایت حقوق همسایگان یکی از مهمترین بایسته های اخلاقی یک مسلمان است. امام رضا(ع) در این باره می فرماید: **((مومن کسی است که احسان می کند خرسند می شود و هنگامی که اشتباه می کند استغفار می نماید. و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. از ما نیست کسی که همسایه اش از آزار و اذیت او ایمن نباشد)).** [۱۳] (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۴، باب ۳۱، حدیث ۳)

۶. کارگزاران و خدمتگزاران

کارگران و کارگزاران گرچه به لحاظ رتبه شغلی و پایگاه اجتماعی در زبردست قرار بگیرند، رفتار و تعاملی شایسته را می طلبند که امام رضا(ع) این گونه بدان اشاره می کند:

۶-۱. اصل عهد و پیمان؛ سلیمان جعفری نقل می کند: برای انجام کاری همراه امام رضا(ع) بودم. خواستم به خانه ام برگردم که امام فرمود: با من بیا و امشب را پیش من باش. با آن حضرت رفتم تا اینکه غروب هنگام وارد خانه اش شد. غلامانش مشغول کار بنایی بودند، گل درست می کردند و میخ آخور چارپایان را می بستند. غلامی سیه چرده هم با آنها بود که ازجمله ی خدمتگزاران امام نبود. آن حضرت از غلامان خود پرسید: این مردی که با شماست کیست؟ پاسخ دادند: کمکان می کند و در مقابل به او مزدی می دهیم. پرسید: دستمزدش را تعیین کرده اید؟ گفتند: خیر! هر مقدار که به او بدهیم راضی می شود. امام رضا(ع) بسیار خشمگین شد. عرض کردم: فدایت شوم چرا خشمگین شدید؟ فرمود: بارها آنها را از این قبیل کارها نهی کرده ام؛ از اینکه کسی را پیش از تعیین اجرتش به کار گیرند! بدان و آگاه باش، هر کارگری که بدون تعیین مزد، کاری برای تو انجام دهد، اگر سه برابر آنچه مزدش است به او بپردازی بازهم گمان می کند که از اجرتش کاسته ای و هنگامی که مزدش را تعیین کنی سپس آن مزد را پرداخت کنی تو را به خاطر وفای به عهدت می ستاید و اگر ذره ای بر آنچه تعیین کرده بودی بیفزایی آن را می داند و می فهمد که تو افزوده ای. (شیخ طوسی، ج ۷، ص ۲۱۲، باب الاجارات، حدیث ۱۴)

۶-۲. اصل تواضع؛ هرگاه برای امام رضا(ع) سفره ای می گستراندند، خدمتکاران و بردگانش نیز با او بر سر سفره می نشستند حتی دربانان و مهتران. (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۸۴، باب ۴۴، حدیث ۷) عبدالله بن صلت از زبان یکی از اهالی بلخ روایت می کند: در سفرش به خراسان با او بودم. روزی هنگام غذا دیدم که بردگانش از سودانی و غیرسودانی با او همسفره شدند. عرض کردم: فدایت شوم! کاش

اینها از سفره کنار می رفتند. فرمود: صبرکن! به طور مسلم خداوند تبارک و تعالی یکی، مادر یکی و پدر یکی است و پاداش را به کردارهای آدمی می دهند. (کلینی، ج ۸، ص ۲۳۰، حدیث یاجوج و ماجوج)

۳-۶. اصل احترام؛ از یاسر و نادر خدمتگزاران امام رضا(ع) نقل است که ابوالحسن الرضا(ع) به ما خدمتکاران فرمود: اگر من بر فراز سر شما بایستم درحالی که مشغول تناول طعامید، از جای خود برنخیزید تا زمانی که از خوردن غذا فارغ شوید. نقل می کنند: چه بسا مواردی که بعضی از خدمتکاران را صدا می زد و می گفتند: مشغول غذاخوردن هستید و امام می فرمود: بگذاریدشان تا از غذاخوردن فارغ شوند. (کلینی، ج ۶، ص ۲۹۸، باب النوادر؛ شیخ حر عاملی، ج ۲۴، ص ۲۶۶، حدیث ۳۰۵۰۹) نادر خادم می گوید: امام رضا(ع) زمانی که یکی از ما مشغول غذا بود، به کارش وانمی داشت تا اینکه غذایش را تمام کند و از غذاخوردن فارغ شود. (کلینی، ج ۶، ص ۲۹۸، باب النوادر؛ شیخ حر عاملی، ج ۲۴، ص ۲۶۷، حدیث ۳۰۵۱۰)

۴-۶. اصل تکریم؛ نادر خادم نقل می کند: امام رضا(ع) جوزینجه را بر روی یکدیگر می گذاشت و من می خوردم. [۱۴] (کلینی، ج ۶، ص ۲۹۸، باب النوادر) ابراهیم بن عباس نقل می کند: هیچگاه ندیدم که امام رضا(ع) یکی از غلامان و بردگان خود را دشنام دهد. [۱۵] (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۸۴، باب ۴۴، حدیث ۷) امام رضا(ع) معتقد بود: کسی که غلامش را شلاق بزند جزو بدترین مردمان است. [۱۶] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۸)

۷. میهمانان

میهمان نوازی در فرهنگ اسلامی یک فضیلت اخلاقی است و احادیث متعددی از پیشوایان دینی در ارجگذاری این خلق انسانی ذکر شده است. (میزان الحکمه، ج ۶، صص ۴۵۰-۴۵۸، باب الضیافه) سیره رضوی نیز دو اصل اخلاقی در ارتباط با میهمان را خاطر نشان می شود:

۱-۷. اصل تکریم؛ ثامن الائمه از میهمانانش با آغوش باز استقبال می کرد و به سخنانشان گوش می سپرد. اطعامشان می نمود و تکریم و بدرقه می کرد. حتی امکانات بازگشت امن به خانه شان را فراهم می نمود. (مجلسی، ج ۴۱، ص ۹۷)

۲-۷. اصل احترام؛ برای امام رضا(ع) میهمانی رسید و تا پاسی از شب نزد آن حضرت نشسته بود و سخن می گفت. در این میان، چراغ رو به خاموشی گذاشت. مرد میهمان دستش را دراز کرد تا چراغ را روبه راه کند، اما امام وی را از این کار بازداشت و خودش چراغ را درست کرد. سپس فرمود: ما گروهی هستیم که هرگز میهمان را به کار و انمیداریم. (کلینی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب کراهیه استخدام الضیف؛ مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۰۲)

۸. ذریه پیامبر(ص)

امام رضا(ع) از رسول خدا(ص) نقل می کرد: **((چهار دسته اند که من شفیع آنها در روز قیامت: تکریم کننده ذریه ام پس از من؛ و برآورنده حاجات آنها؛ و کوشنده در انجام امور آنها هنگام نیاز آنها به او؛ و دوست دارنده آنها به قلب و زبان.))** [۱۷] (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۶، حدیث ۲) چهار اصل اخلاقی از این حدیث استخراج می شود: ۱. اصل تکریم ذریه نبی(ص)؛ ۲. اصل برآوردن حاجات؛ ۳. اصل تلاش برای انجام کارهای آنها؛ ۴. اصل محبت.

۹. محبین اهل بیت(ع)

موسی بن سیار می گوید: همراه امام رضا(ع) بودم و به حوالی دیوارهای طوس رسیده بودیم که آواهای فریاد و شیون شنیدیم. به دنبال صدای شیون رفتیم و جنازه ای دیدیم. در این هنگام دیدم که مولایم علی

بن موسی الرضا(ع) از اسب پیاده شد، به سوی جنازه رفت، آن را برداشت و همچون فرزندی که مادر را در برمی گیرد جنازه را دربر گرفت. سپس رو به من کرد و فرمود: کسی که جنازه دوستی از دوستان ما را تشییع کند از گناهان خویش پاک می شود به مانند روزی که از مادر متولد شده است. پس از آن برخاست و به دنبال جنازه تالاب قبر آمد. آنگاه مردم را از اطراف جنازه کنار زد و سپس دست مبارک خود را روی سینه میت گذارد و فرمود: ای فلانی! مژده گیر به بهشت! از این ساعت دیگر خوف و ترسی بر تو نیست. عرض کردم: فدایت شوم! این سرزمینی است که پیش از این در آن قدم نگذارده ای! آیا این مرد را می شناختی؟! فرمود: ای موسی بن سیار! مگر نمی دانی که اعمال شیعیان ما را هر صبح و شام بر ما عرضه می کنند و هر تقصیری که در کارهای آنها باشد ما از خدا می خواهیم که از آن بگذرد و آنچه کارهای خوب و نیک باشد ما سپاس و تقدیر صاحب آن را از خدا می طلبیم. (ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۴۱؛ مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۸؛ محدث نوری، ج ۱۲، ص ۱۶۴، حدیث ۱۳۷۸۹)

۱۰. نیازمندان

کَمک و دستگیری دیگران در نیازهای اقتصادی و غیراقتصادی ازجمله توصیه های مهم ائمه اطهار و کتاب آسمانی اسلام است. امام رضا (ع) در این ارتباط به این اصول رهنمون می شود:

۱۰-۱. **اصل عدم رد محتاج؛** آن حضرت (ع) می فرمود: مرد مسلمان تا ده صفت نداشته باشد عقلش کامل نیست. یکی از این صفات این است که از رجوع حاجتمندان به وی خسته نشود. (ابن شعبه حرانی، ص ۷۸) ابراهیم بن عباس درباره سیره امام هشتم می گوید: **((هیچگاه ندیدیم که حاجت کسی را رد کند، درحالی که توانایی انجام آن را دارد.))** (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۹۷)

۱۰-۲. **اصل انفاق؛** مردی نزد امام رضا (ع) آمد و عرض کرد: به من به مقدار کرم و مروت خود عطا کن! امام فرمود: توانایی این کار را ندارم. عرض کرد: پس به اندازه کرم و مروت خودم به من عطا فرما! فرمود: این آری! سپس به غلام خود فرمود: دو یست دینار به این مرد عطا کن! (ابن شهر آشوب، ج ۴، صص ۳۶۰-۳۶۲؛ مجلسی، ج ۴۹، ح ۱۶)

آن حضرت (ع) در روز عرفه، در خراسان تمام دارائی خود را میان مستمندان تقسیم کرد. فضل بن سهل در واکنش به این بخشش وی گفت: این زیان بزرگی بود. امام فرمود: بلکه غنیمتی بود. چیزی که من به وسیله آن پاداش و کرامت خریداری کردم را زیان محسوب نکن! (ابن شهر آشوب، ج ۴، صص ۳۶۰-۳۶۲؛ مجلسی، ج ۴۹، ح ۱۶)

غفاری نقل می کند: مردی از خاندان ابی رافع - آزادشده رسول خدا(ص)- از من طلبی داشت. او پیوسته طلب می کرد و مرا تحت فشار قرار داده بود. من که چنان دیدم روزی از روزهای ماه رمضان نماز صبح را در مسجد مدینه خواندم و به قصد زیارت آن حضرت و استمداد از آن بزرگوار که در "عریض"- چند فرسخی مدینه- سکونت داشت حرکت کردم. هنگامی که به خانه آن حضرت رسیدم او را دیدم که پیراهن و عبائی بر تن داشت و سوار بر الاغ از خانه اش خارج شد. وقتی او را دیدم شرم و حیا بر من مستولی شد و چیزی نگفتم. امام توقف کرد و نگاهی به من انداخت. سلام کردم و عرض نمودم: فلانی که یکی از دوستان شماست، از من طلبی دارد و به خدا سوگند نام مرا بر سر زبانها انداخته و مرا رسوا کرده است. با این گفتارم فکر کردم امام به آن مرد طلبکار دستور می دهد از مطالبه طلب خویش خودداری کند و به خدا سوگند نه گفتم که طلب او حقدر است و نه چیز دیگری گفتم. امام به من دستور داد بنشینم تا ایشان برگردد.

من درحالی که روزه بودم همچنان نشستم تا هنگام مغرب و نماز مغرب را نیز خواندم. دلم گرفته بود و می

خواستم برگردم که دیدم آن حضرت پیدا شد و مردم دورش را گرفتند؛ جمعی از سائلان و نیازمندان هم بر سر راهش نشسته بودند. امام به آنها صدقه داد، احسان کرد و همچنان آمد تا وارد خانه شد؛ طوی نکشید که از خانه بیرون آمد و مرا به درون خانه دعوت کرد. برخاستم و به درون خانه رفتم، نزد آن حضرت نشستم و از ابن مسیب برای او سخن گفتم. وقتی سخنانم پایان یافت فرمود: گمان دارم افطار نکرده ای! عرض کردم: نه. امام ظرف غذایی طلبید و پیش من گذارد و من با غلامان خوردم. چون فارغ از غذا شدیم فرمود: این زیرانداز را بلند کن و هرچه زیر آن است بردار. من زیرانداز را بلند کردم و دینارهایی را در زیر آن دیدم. آنها را برداشتم و در جیبم گذاشتم. سپس به چهارتن از غلامان خود دستور داد تا همراه من بیایند و مرا به خانه ام برسانند، عرض کردم: قربانت شوم! شبگردان ابن مسیب، اطراف شهر می گردند و من خوش ندارم مرا همراه غلامان شما ببینند. امام به غلامان دستور داد همراه من بیایند تا هرکجا که من از آنان خواستم بازگردند و آنها همین کار را کردند. وقتی به نزدیک شهر رسیدم به آنها گفتم بازگردند. به خانه خود آمدم، چراغی خواستم و دینارها را شمردم. دیدم ۴۸ دینار است و طلبی که آن مرد از من داشت ۲۸ دینار بود. در میان دینارها دیناری دیدم که برق می زد و می درخشید؛ از آن دینار خوشم آمد. آن را برداشتم و نزدیک چراغ بردم. دیدم به خط خوانا و آشکار روی آن حک شده: طلب این مرد از تو ۲۸ دینار است و بقیه مال خودت! (مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۷، حدیث ۱۲)

منقول است که امام (ع) وقتی دید غلامانش میوه ای را خورده اند و نیم خورده رها کرده اند، آنها را مورد عتاب قرار داد و فرمود: **((سبحان الله! اگر شما به آن نیازی ندارید، مردم به آن نیازمندند! به کسی که احتیاجش دارد بدهید.))** (مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۰۲) می فرمود: خداوند ضایع کردن مال را دشمن می دارد. (ابن شعبه حرانی، ص ۷۰۹)

امام رضا (ع) همواره از مرغوبترین و بهترین اموال و دارایی های خود انفاق می کرد. معمر بن خالد می گوید: امام رضا (ع) قبل از شروع غذا ظرفی می طلبید. آن را نزدیک سفره می گذاشت. سپس به بهترین غذایی که برایش می آوردند می نگریست و از هر غذا مقداری برمی داشت و در آن ظرف می گذاشت. پس از آن دستور می داد آن سینی را برای بینوایان ببرند. سپس این آیه را تلاوت می کرد: **((فلاقتحم العقبه))** و می فرمود: خداوند عزوجل می داند که هر انسانی قادر بر آزادی رقبه نیست، به همین دلیل به وسیله اطعام، برای آنها راهی به سوی بهشت گذارده است. (برقی، ص ۳۹۲؛ کلینی، ج ۴، ص ۵۲؛ مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۷) او می کوشید به شیوه ای انفاق کند که عزت نفس فرد مورد کمک خدشه دار نشود.

یسع بن حمزه نقل می کند: در محضر حضرت رضا (ع) نشسته بودم و جمع بسیار زیادی از مردم نزد آن حضرت آمده و درباره حلال و حرام از آن بزرگوار سوال می کردند. مردی سیه چرده و بلند قامت به حضور آن امام آمد و سلام کرد. گفت: من مردی از دوستان شما و پدران و اجداد شما هستم که از سفر حج باز می گردم، پولم گم شده و چیزی ندارم که به شهر و دیار خود بروم. اگر بتوانی مقداری به من بده تا به شهر خود برسم و پس از رسیدن به شهر خود آن را از طرف شما صدقه خواهم داد چون خود مستحق صدقه نیستم. امام به او فرمود: خدایت رحمت کند، بنشین. سپس رو به مردم کرد و به گفتگوی خود با آنها ادامه داد تا وقتی که یکی یکی رفتند و به جز من و سلیمان جعفری و خثیمه و آن مرد کسی نماند. آنگاه امام از ما اجازه گرفت، برخاست و به داخل اندرون خانه رفت؛ پس از مدتی به پشت در اطاق آمد، دست خود را از بالای در بیرون آورد و فرمود: مرد خراسانی کجاست؟ آن مرد برخاست و عرض کرد: من اینجایم. فرمود: این دویست دینار را بگیر و در خرج راه خود مصرف کن و صدقه هم نده و از اینجا برو که من تو را نبینم و تو هم مرا نبینی. سپس خود بیرون آمد. سلیمان جعفری عرض کرد: قربانت گردم! شما احسان و کرم کردی، پس چرا روی خود را از این مرد پوشاندی؟ فرمود: از این بیم که خواری سوال - به خاطر قضای حاجتش - را در چهره او مشاهده کنم. مگر نشنیده ای که رسول خدا (ص) می فرماید: کسی که کار نیک را پنهان دارد با هفتاد حج

معادل است و کسی که کار بدی را آشکار سازد خوار و زیون گردد و گناه در پنهان مستحق آمرزش است. (کلینی، ج ۴، صص ۲۳ و ۲۴؛ مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۰۱، حدیث ۱۹)

۱۱. سایر مردم

علاوه بر اصول ذکر شده تا اینجا اصولی عام و همگانی وجود دارد که امام رضا(ع) و سیره رضوی با صرف نظر از موقعیت و منزلت اجتماعی افراد بر آنها تاکید می کند. این اصول عبارتند از:

۱-۱۱. **اصل مدارای با مردم؛** امام رضا(ع) فرمود: ((مومن واقعاً مومن نیست مگر اینکه سه خصلت در او جمع باشد: یک خصلت از پروردگارش، خصلتی از پیامبرش و خصلتی از امامش. اما خصلتی که از پروردگارش باید دارا باشد رازداری و سرداری است که خدای متعال می فرماید: دانای غیب و نهان است و احدی را بر اخبار غیبی مطلع نسازد، مگر رسولی را که بپسندد. (جن ۲۶ و ۲۷) اما خصلتی که از رسول خدا باید داشته باشد: مدارا و سازش با مردم است، زیرا خدای تعالی پیامبرش را به مدارا کردن با مردم دستور داده است: راه گذشت و مدارا را پیش بگیر و به نیکی حکم کن و از جاهیل روی گردان باش. (اعراف، ۱۹۹) اما خصلتی که باید از امامش اخذ کند: صبر و شکیبایی در سختی ها و فشارهای زندگی است. و خداوند می فرماید: و در سختی (زندگی) و زیان (جسمی) و به هنگام سختی (جنگ)، شکیبایند

(بقره: ۱۷۷). [۱۸] (شیخ صدوق، **عیون اخبار الرضا(ع)**، ج ۱، ص ۲۵۶، حدیث ۹)

۲-۱۱. **اصل تواضع؛** امام رضا(ع) با مردم بسیار متواضع بود و متواضعانه رفتار می کرد. وی روزی به حمام رفت و مردی که او را نمی شناخت از او خواست که بدنش را کیسه بکشد. امام تقاضای او را پذیرفت و به کیسه کشیدن مشغول شد. دیگران که امام را در این حال دیدند و او را شناختند آن مرد را از جریان آگاه کردند. آن مرد وقتی امام را شناخت پریشان و پشیمان شد و عذرخواهی نمود. اما، امام همچنانکه از او دلجویی می کرد به کار خود ادامه داد و بدن او را کیسه کشید. (مجلسی، ج ۴۹، ص ۹۹، حدیث ۱۶)

ابراهیم بن عباس می گوید: امام رضا(ع) هیچگاه پای خود را در برابر کسی که نشسته بود، دراز نمی کرد و در برابر کسی که روبرویش نشسته بود تکیه نمی نمود و هرگز قهقهه نمی زد. خنده اش تبسم بود. (شیخ صدوق، **عیون اخبار الرضا(ع)**، ج ۲، ص ۱۸۴، حدیث ۷)

۳-۱۱. **اصل نیکو سخن گفتن؛** امام رضا(ع) با مردم کم حرف می زد (شیخ صدوق، **عیون اخبار الرضا(ع)**، ج ۲، ص ۱۷۹، حدیث ۳) و هیچگاه دیده نشد که با سخن خود بر کسی جفا کند. او سخن کسی را قطع نمی کرد تا اینکه شخص از گفتار فارغ می شد. (شیخ صدوق، **عیون اخبار الرضا(ع)**، ج ۲، ص ۱۸۴، حدیث ۷) هیچ کس نمی توانست در خانه او صدایش را بالا ببرد، هرکس که بود. (شیخ صدوق، **عیون اخبار الرضا(ع)**، ج ۲، ص ۱۷۹، حدیث ۳)

۴-۱۱. **اصل یاری ناتوان؛** علی بن موسی الرضا(ع) می فرمود: ((یاری کردن افراد ناتوان، از برترین صدقات است.)) [۱۹] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۶)

۵-۱۱. **اصل دوستی؛** می فرمود: ((دوستی با مردم نیمی از عقل است.)) [۲۰] (ابن شعبه حرانی، ص ۴۴۳)

۶-۱۱. **اصل سخاوت؛** می فرمود: ((انسان سخی به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است، به مردم نزدیک است، از آتش دوزخ دور است و بخیل از بهشت دور است، از مردم دور است، به دوزخ نزدیک است. می فرمود: سخاوت درختی است در بهشت که شاخه هایش در دنیا بیند. هرکس به شاخه ای از

شاخه های این درخت بیاویزد، داخل بهشت شده است.)) [۲۱] (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲، حدیث ۲۷) می فرمود: ((سقاوتمند از غذای مردم می خورد تا آنها از غذای او بخورند و بخیل از غذای مردم نمی خورد تا آنها از غذای او نخورند.)) [۲۲] (ابن شعبه حرانی، ۴۴۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۱، حدیث ۲۶)

نتیجه

در پاسخ بدین پرسش که می پرسد: **((با توجه به سیره اخلاقی امام رضا (ع) چه اصولی در ارتباط با اخلاق اجتماعی، می توان ارائه و پیشنهاد کرد؟))** دریافتیم: در برابر پدر و مادر باید اصل تدبیر در رنجها و زحمتهای آنها، سپاسگذاری از نیکیهای آنها و نیکی کردن به آنان را باید به خاطر داشته باشیم. در برابر خانواده باید اصل حسن خلق، کار و تلاش برای کسب روزی حلال، توسع و مشی صحیح اقتصادی را مد نظر قرار دهیم. در برابر خویشاوندان باید اصل صله رحم، کمک و یاری آنها و اجتناب از آزار و اذیت آنان را به خاطر بسپاریم. در برابر دوستان و همسایگان اصل پرهیز از رنجش و آزار آنها را سرلوحه رفتار خود قرار دهیم. در برابر کارگران و کارگزاران زبردست خویش، اصل تعیین دستمزد، همسفرگی، تناول، احترام و اجتناب از تنبیه بدنی را به یاد داشته باشیم. در برابر مهیمانان اصل تکریم و اجتناب از به زحمت انداختن آنان را مد نظر بگیریم. در ارتباط با ذریه پیامبر (ص) به اصل تکریم، برآوردن حاجات، تلاش برای انجام کار آنها و اصل محبت عمل کنیم. درباره محبین اهل بیت (ع) به اصل تکریم و تشییع جنازه پایبند باشیم. در برابر نیازمندان اصل عدم رد محتاج، انفاق و شیوه انفاق را با دقت و احتیاط به کار بندیم. اصول رازداری، مدارای با مردم، تواضع، دقت در سخن گفتن، یاری ناتوان، دوستی با مردم و سخاوت را از یاد نبریم.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن (قرن چهارم)؛ **تحف العقول**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸)؛ **مناقب آل ابي طالب (ع)**؛ قم: مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ه.ق.
- ابن منظور (م ۵۷۱ ه.ق)؛ **لسان العرب**؛ تصحیح: امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ج ۱، ۱۴۱۶ ه.ق.
- احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسن (م ۳۹۵ ه.ق)؛ **معجم مقاییس اللغة**؛ تحقیق: عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.
- إربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳)؛ **کشف الغمة**؛ تبریز: چاپ مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه.ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴)؛ **المحاسن**؛ قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ه.ق.
- الخوری الشرتونی، سعید؛ **اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد**؛ بیروت: مکتبه لبنان، ج ۲، ۱۹۹۲ م.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (معاصر)؛ **سیره نبوی**؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲، ۱۳۷۶ ه.ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م ۵۰۲ ه.ق)؛ **معجم المفردات فی غریب القرآن**؛ ضبط: ابراهیم شمس الدین؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۴۲۳ ه.ق.
- شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴)؛ **وسائل الشیعة**؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ه.ق.

شیخ صدوق (م ۳۸۱)؛ **الخصال**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.ق.

شیخ صدوق (م ۳۸۱)؛ عیون اخبار الرضا (ع)، انتشارات جهان، ۱۳۷۸.ق.

شیخ صدوق (م ۳۸۱)؛ **من لایحضره الفقیه**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.ق.

شیخ طوسی (م ۴۶۰)؛ **تهذیب الاحکام**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.ش.

کلینی (م ۳۲۹)؛ **الکافی**؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.ش.

کنگره جهانی امام رضا (ع)؛ **صحیفه الرضا (ع)**؛ انتشارات کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۶.ق.

مجلسی (م ۱۱۱۱)؛ **بحار الانوار**؛ بیروت: موسسه الوفاء، چ ۲، ۱۴۰۳.ق.

محدث نوری (م ۱۳۲۰.ق)؛ **مستدرک الوسائل**؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸.ق.

مصطفوی، حسن (معاصر)؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۶.ق.

مطهری، مرتضی (معاصر)؛ **سیری در سیره نبوی**؛ تهران: انتشارات صدرا، چ ۵، ۱۳۷۶.ش.

معلوف، لوئیس (معاصر)؛ **المنجد فی اللغة**؛ نشر ذوی القربی، چ ۴، ۱۴۲۳.ق.

المقری الفیومی، احمد بن محمد بن علی؛ **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**؛ قم: دارالهجره، چ ۱، ۱۴۰۵.ق.

پی نوشت ها

[۱]. قال رسول الله (ص): ((مجالسة العلماء عبادة والنظر إلى علي عبادة والنظر إلى البيت عبادة والنظر إلى المصحف عبادة والنظر إلى الوالدين عبادة)).

[۲]. عن أبي الحسن الرضا ع قال إن الله عز وجل أمر بثلاثة مقرون بها ثلاثة أخرى أمر بالصلاة والزكاة فمن صلى ولم يرك لم تقبل منه صلاته وأمر بالشكر له وللوالدين فمن لم يشكر والديه لم يشكر الله وأمر باتقاء الله وصلة الرحم فمن لم يصل رحمه لم يتق الله عز وجل.

[۳]. قال الرضا (ع): و بر الوالدين و إن كانا مشركين فلا تطعهما و صاحبهما في الدنيا معروفان لأن الله يقول اشكرك لي ولوالديك إلي المصير و إن جاهدك علي أن تشرك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما.

[۴]. قال (ع): خمس من لم تكن فيه فلا ترجوه لشيء من الدنيا والآخرة من لم تعرف الوثاقة في أرومته و الكرم في طباعه و الرصانة في خلقه و النبل في نفسه و المخافة لربه.

[۵]. قال (ع) قال رسول الله (ص): أقربكم مني مجلسا يوم القيامة أحسنكم خلقا و خيركم لأهله.

[۶]. قال (ع): إن الذي يطلب من فضل يكف به عياله أعظم أجرا من المجاهد في سبيل الله.

[۷]. قال (ع): صاحب النعمة يجب أن يوسع على عياله.

[٨]. قال (ع): لا يستكمل عبد حقيقة الإيمان حتى تكون فيه خصال ثلاث التفقه في الدين و حسن التقدير في المعيشة و الصبر على الرزايا.

[٩]. قال (ع): صل رحمك و لو بشرية من ماء و أفضل ما توصل به الرحم كف الأذى عنها و قال في كتاب الله لا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى.

[١٠]. عن أبي الحسن الرضا ع قال إن الله عز و جل أمر بثلاثة مقرون بها ثلاثة أخرى أمر بالصلاة و الزكاة فمن صلى و لم يركع لم تقبل منه صلاته و أمر بالشكر له و للوالدين فمن لم يشكر والديه لم يشكر الله و أمر باتقاء الله و صلة الرحم فمن لم يصل رحمه لم يتق الله عز و جل.

[١١]. كتاب أبي الحسن الرضا ع إلى أبي جعفر: يا أبا جعفر بلغني أن الموالي إذا ركبت أخرجوك من الباب الصغير فإنما ذلك من بخل بهم لئلا ينال منك أحد خيراً فأسألك بحقي عليك لا يكن مدخلك و مخرجك إلا من الباب الكبير و إذا ركبت فليكن منك ذهب و فضة ثم لا يسألك أحد إلا أعطيته و من سألك من عمومته أن تبره فلا تعطه أقل من خمسين ديناراً و الكثير إليك و من سألك من عماتك فلا تعطها أقل من خمسة و عشرين ديناراً و الكثير إليك إني أريد أن يرفعك الله فأنفق و لا تخش من ذي العرش إقتاراً.

[١٢]. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ قَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ يَوْمَ الْفِطْرِ وَهُوَ يَدْعُو لَهُ يَا فَلَانُ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَمِنَّا ثُمَّ أَقَامَ حَتَّى كَانَ يَوْمُ الْأَضْحَى فَقَالَ لَهُ يَا فَلَانُ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَمِنْكَ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ فِي الْفِطْرِ شَيْئاً وَ تَقُولُ فِي الْأَضْحَى غَيْرَهُ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ إِنِّي قُلْتُ لَهُ فِي الْفِطْرِ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَمِنَّا لِأَنَّهُ فَعَلَ مِثْلَ فِعْلِي وَ تَأَسَّيْتُ أَنَا وَهُوَ فِي الْفِعْلِ وَقُلْتُ لَهُ فِي الْأَضْحَى تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَمِنْكَ لِأَنَّهُ يُمْكِنُنَا أَنْ نُضْحِيَ وَ لَا يُمْكِنُهُ أَنْ يُضْحِيَ فَقَدْ فَعَلْنَا نَحْنُ غَيْرَ فِعْلِهِ. (در من لا يحضره الفقيه به جای تاسیت واژه استویت را دارد).

[١٣]. قال الرضا (ع): المؤمن الذي إذا أحسن استبشر و إذا أساء استغفر و المسلم الذي يسلم المسلمون من لسانه و يده ليس منا من لم يأمن جاره بوائقه.

[١٤]. رَوَى نَادِرُ الْخَادِمُ قَالَ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع يَضَعُ جَوْزِينَجَةً عَلَى الْأُخْرَى وَيُنَاوِلُنِي.

[١٥]. عن إبراهيم بن العباس قال: ما رأيت أبا الحسن الرضا... و لا رأيته شتم أحداً من موالیه و ممالیکه قط...

[١٦]. قال علي بن شعيب دخلت على أبي الحسن الرضا (ع) فقال لي يا علي من أحسن الناس معاشاً قلت أنت يا سيدي أعلم به مني فقال ع يا علي من حسن معاش غيره في معاشه يا علي من أسوأ الناس معاشاً قلت أنت أعلم قال من لم يعيش غيره في معاشه يا علي أحسنوا جوار النعم فإنها وحشية ما نأت عن قوم فعادت إليهم يا علي إن شر الناس من منع رفته و أكل وحده و جلد عبده.

[١٧]. علي بن موسى الرضا ع عن أبيه عن آبائه عن علي (ع) قال قال رسول الله (ص): أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة المكرم لذريتي من بعدي و القاضي لهم حوائجهم و الساعي لهم في أمورهم عند اضطرابهم إليه و المحب لهم بقلبه و لسانه.

[١٨]. عن الحارث بن الدلهات مولى الرضا ع قال سمعت أبا الحسن ع يقول لا يكون المؤمن مؤمناً حتى يكون فيه ثلاث خصال سنة من ربه و سنة من نبيه و سنة من وليه فالسنة من ربه كتمان سره قال الله عز و جل عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَ أَمَا السَّيِّئَةُ مِنْ نَبِيهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَهُ ص بِمُدَارَاةِ النَّاسِ فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

☐ ذخیره نام، ایمیل و وبسایت من در مرورگر برای زمانی که دوباره دیدگاهی منویسم.

فرستادن دیدگاه

پیوندهای مرتبط

(/https://miu.ac.ir)



(/https://news.miu.ac.ir)



(/https://mou.ir/fa)



(/https://jafar.hamayesh.miu.ac.ir/fa)



پیوندهای مفید

(/https://irdc.ir)



(http://abp.isca.ac.ir)



دسترسی های سریع

ارتباط با ما

درباره ما

ارسال مطلب

ایران-قم-میدان جهاد-مجمع آموزش عالی امام خمینی (ره)- ساختمان نبیین-مجمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی



کلیه حقوق سایت متعلق است به جامعه المصطفی العالمیه

طراحی و پشتیبانی توسط گروه نرم افزاری رسانه